



پنجشنبه ۲۷ جون ۲۰۱۹

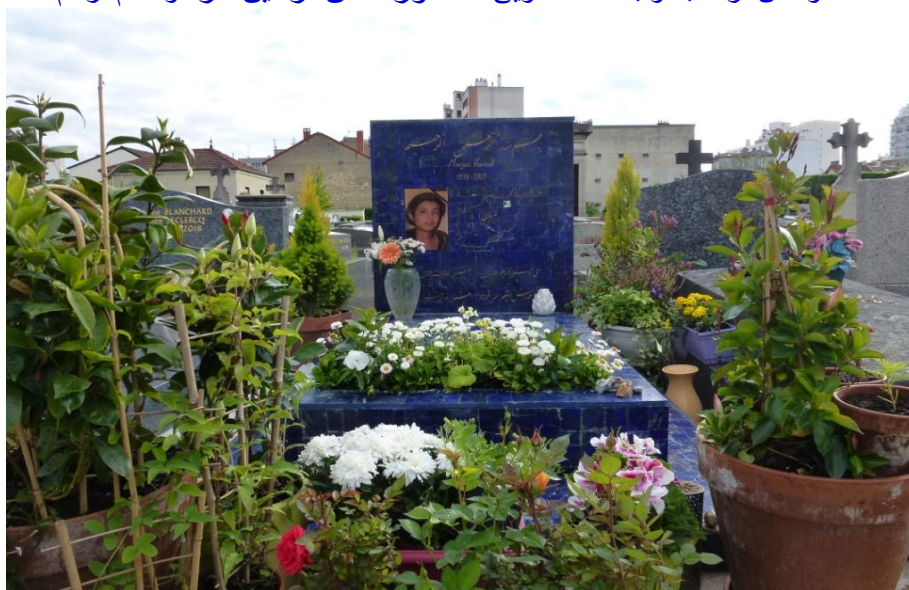
مرجان کمال

اسلام و اقتدار سیاسی نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی مترجم: فریده نوری

قسمت شانزدهم

صيد تو ام از دانه و دام آزادم
ورنه من از این هر دو مقام آزادم

مست تو ام از باده و جام آزادم
مقصود من از کعبه و بت خانه تویی



پلان های نو آوری (modernisation) سیاسی و اجتماعی

و آماده نمودن گرامر نو سیاسی و پیوند نمودن آن با روابط دولت - جامعه

دو دهه اخیر قرن نوزدهم میلادی و دو دهه اول قرن بیستم میلادی به یک دوره بسیار به شدت تغییر شکل آوردن در روابط دولت - جامعه مطابقت می کند، و مخصوصاً تقابل بین دربار و شخصیت های مذهبی و قبایل پیچیده و مغلق گردید.

این تغییرات در سه مرحله اساسی تحقق یافت:

عزم و اراده امیر عبدالرحمن خان جهت تأیید تحکیم نمودن تفوق و برتری دولت و شخصیت های مذهبی، به تعقیب آن قرابت و نزدیکی اعضای بلند پایه و نزدیک دربار با شخصیت های مذهبی، و بالاخره فعالیت اصلاح طلبان در داخل دربار که موقف ضد انگیس بودن مذهبیین را تقویه، و برای پخش افکار شان نه تنها شنونده در بین مناطق قبایلی بلکه در نزد طبقهٔ تعلیم یافته را نیز تضمین نمودند.

مرحلهٔ اول که با سلطنت امیر عبدالرحمن خان مطابقت دارد، مرحلهٔ قوی ساختن مذهبیین معترض در اجتماع قبایل بود. مرحلهٔ دومی و سومی تحت سلطنت امیر حبیب الله خان ضمانت نمودن از مذهبیین جهت حمایت شان چه از نقطهٔ نظر نظامی و چه از نظر ایدئولوژیکی.

از خلال این تغییرات سریع که به استقلال افغانستان از هند برتانیوی انجامید، یک تعداد تغییرات و تبدیلات دیگر نیز رونما گردید که عبارت از اقدامات نو گرایی (modernisation) کشور توسط دولت می باشد. این اقدامات که نشان دهندهٔ یک عامل نو تغییرات در ساختار های سیاسی و اجتماعی که توسط دولت در طول دورهٔ قرن بیستم میلادی روی دست گرفته شده بود، نتیجهٔ آن خلق شدن یک گرامر نو سیاسی که سبب پیوند ارتباطات بین دولت و قبایل گردید. این ارتباطات زیادتز عبارت از ارتباطات حاکمیت یک مرکز که غنای سمبولیک را در اختیار دارد بالای حومه که از نظر اجتماعی به حاشیه رانده شده است و از نظر اقتصادی فقیر تر شده است، می باشد.

پلان نوین سازی سیاسی و اجتماعی:

سر آغاز یا مقدمهٔ پلان نو سازی:

وارد نمودن دانش نو از غرب:

در زمان سلطنت امیر شیرعلی خان برای اولین بار اصلاحات اداری و سیاست نو سازی بالای ادارات، اردو، خلق نمودن مالیه بالای زمین و نشر اولین اخبار به نام شمس النهار (Chams-ul-Nehar) صورت گرفت.

جوانان ترک هواداران اصلاحات و مفهوم ملت:

در سال 1904 میلادی، محمود طرزی با فامیل شان به افغانستان که در وقت سلطنت امیر عبدالرحمن خان در دمشق پناهگزین بودند، برگشت نمودند و این برگشت وی همراه، با افکار نو، خصوصاً در زمینهٔ نوسازی سیاسی به گونهٔ غربی ها و همچنین با افکار امپراطوری عثمانی که شامل اصلاح طلبی، پان اسلامیزم و ملی گرایی بود.

در سوریه محمود طرزی خود را در حقیقت با افکار و اندیشه محمد عبده (1905 - 1849 میلادی) و هم چنین به همراهی پان اسلامیزم انقلابی رشید ریدا (1935 - 1865 میلادی) آشنا ساخته بود.

(محمد عبده یک عالم الهیات و قاضی و از جمله اصلاح طلبان آزادیخواه (Liberal) بود که در اخیر قرن نوزدهم میلادی مخصوصاً در مصر یک تجدد در اسلام آورد که باعث اجازه نو آوری در جهان عرب و مسلمان گردید. پوهنتون سوریه عمیقاً تحت تأثیر نوشته های الافغانی (AI Afghani) و محمد عبده بود). در سال 1911 میلادی نشر سراج الاخبار دو مراتبه در هفته یک وسیله رساندن افکار محمود طرزی در نزد شهریان و یک طبقه روشنفکران بود. یکی از مفاهیم نو و بنیادی که در اخبار شرح داده می شد، همانا کلمه ملت بود، که طور ذیل تعریف می گردید: «توجیه نمودن برای آوردن اصلاحات اجتماعی و اقتصادی، ما را مجبور به ضرورت داشتن یک تهداب نظری و تیوریک می نماید».

سلطنت امیر حبیب الله خان:

در زمان سلطنت امیر حبیب الله خان روابط همراهی رهبران قبایل به ابتکار شخص امیر حبیب الله خان بهبودی یافت، خصوصاً وقتی از سرباز گیری اجباری به امتیاز قبایل صرف نظر نمود، و از طرف دیگر یک شورای دولتی را خلق نمود که وظیفه تصمیم گیری در امور قبایلی را داشت و هم سبب به وجود آوردن یک سیستم که در آن نمایندگان قبایل اجازه حل مسایل امور قبایلی را داشتند. در سال 1903 میلادی امیر حبیب الله خان به تمام مساجد کابل امر دادن تعلیم به اطفال که شامل مکتب نبودند را داد. وکیل گذر که مسؤلیت ترتیب نمودن لست فامیل ها را عهده دار بود، به دولت پیشنهاد نمود که بدون کمک دولت فامیل ها نمی توانند به تعلیم اطفال شان رسیدگی نمایند. در سال 1904 میلادی لیسه حبیبیه که اولین مکتب تعلیمات عالی برای پسران خلق گردید و اداره آن را هندی ها به عهده داشتند، تعلیم و تحصیل اجباری اعلان شد. و همچنان یک کالج عسکری که توسط ترک ها اداره می گردید نیز به وجود آمد. این تأسیسات اولین تدابیر جهت خلق نمودن تشکیلات غیر مذهبی بودند.

اما در تمام مکاتب دولتی در پهلوی دروس دیگر دروس مذهبی نیز شامل بودند.

جانشین امیر حبیب الله خان:

کشمکش بین محافظه کاران و نوگرایان:

در بین اعضای دربار، سردار نصرالله خان از منافع علما دفاع می نمود زیرا روابط وی با علما بسیار نزدیک بود و از طرف دیگر امیر امان الله خان نظر به داشتن افکار پان اسلامیزم و ضد استعمار در نزد مذهبیین محبوبیت داشت و در زمانی که به حیث والی کابل ایفای وظیفه می نمود به داشتن صداقت مشهور بود. در زمان رحلت امیر حبیب الله خان یک مبارزه خورد برای گرفتن قدرت بین مذهبیین که زیادتیر طرفدار رسوم و عادات بودند و بعضی اعضای دربار که به نوگرایی و تجدد علاقه داشتند به وجود آمد. آن هایی که به رسوم و عادات پابند بودند طرفدار نصر الله خان و نوگرا ها از امان الله خان طرفداری می کردند. در زمان تشییع جنازه امیر حبیب الله خان در لغمان، نصر الله خان از طرف مذهبیین در شرق کشور امیر اعلان شد. نظر به این که امیر حبیب الله خان در لغمان به شهادت رسید مفکوره بر این بود که باید در همان جا دفن شود.

نصرالله خان در جلال آباد تاج و تخت سلطنت را به دست آورد و مراسم دستار بندی در حضور نقیب صاحب بغداد، پادچا صاحب اسلام پور و پسر حضرت صاحب چهار باغ برگزار شد. در عین زمان امیر امان الله خان به تاریخ 27 فبروری سال 1919 میلادی در کابل توسط ملا حمید الله از تگاب تاج پوشی گردید، و از طرف دیگر امیر امان الله از حمایت نوگرایان و قبایل قندهاری، شبکه بارکزی از طریق مادر شان حمایت گردید. نصرالله خان علی الرغم مخالفت جنرال نادر خان لوی درستیز و یا رئیس ارکان حرب، و میر سید جان پادشاه برایش وعده پنجاه هزار عسکر جهت حفظ تاج و تختش نمود، کناره گیری کرد. با وجود مخالفت جنرال محمد نادر خان پیوند ای که بین نوگرایان و سنت گرایان چند سال قبل به جواب فشار های بیرونی ساخته شده بود، از هم گسیخت. وقتی امان الله خان به قدرت رسید سیاست مطلقاً نوگرایی را به پیش گرفت که این انتخاب وی سبب به وجود آمدن یک کشمکش و رابطه قوا با سنت گرایان که شامل قبایل و مذهبیین بود، گردید، که در تمام عرصه ها، سیاست، نظامی و ایدئولوژیکی این کشمکش وجود داشت.

نهضت اصلاحات و ملت:

امان الله خان با برادرش عنایت الله خان به عضویت جنبش جوانان یا مشروطه خواهان که به دور محمود طرزی ساخته شده بود در آمدند. به قدرت رسیدن امان الله خان، باعث افزایش قدرت محمود طرزی که خسرش نیز بود گردید، و یک شخصیت عمده در دربار محسوب می شد وی به حیث مشاور امیر امان الله خان و همچنان به حیث وزیر خارجه نیز ایفای وظیفه می نمود. ایدئولوژی این

جنبش توسط سراج الاخبار که بالای پیشرفت و ترقی ملت و کشور متمرکز و یک پخش کننده بسیار مهم از نو آوری و روشن ساختن ذهنیت مردم محسوب می شد.

نو سازی اردو یک امر حتمی شمرده شد تا بتواند در مقابل استعمار مبارزه کند، در حقیقت هدف از تغییرات عمیق جامعه و فرهنگ که تنها توسط علم و دانش و شایستگی در زمینه های سیانس و تخنیک و اقتصاد به دست آورده می شود، توسط سراج الاخبار به نشر می رسید، و در اخبار از کشفیات سیانس و تخنیک ممالک غربی مانند برق، تلگراف، فزیک و کیمیا، ترانسپورت و هوانوردی نیز پرداخته می شد. طرز دید محمود طرزی بالای مودل یا نمونه صنایع اروپا و بالای سرمایه گذاری طبقه سرمایه دار اتکاء می کرد، و از طرف دیگر به حیث نمونه به انکشاف جاپان ارزش داده شده و علاوه می نمود، که تمام انکشافات و انقلاب های تخنیکی در جاپان با نگهداری ارزش های فرهنگی و محلی شان صورت گرفته است، و علاوه می نمود که نمونه انکشاف اروپایی ها هیچ نوع تقابل با اسلام ندارد، و دلیل آن را چنین توضیح می داد: که علوم اروپایی ها بالای دانش و آموخته های جهان عرب و اسلام، قرون اوسطی مبتنی می باشد.

برای ارتقای خانم ها زیادتیر از رول که خانم ها در زمان خلافت عباسی ها بازی می کردند، یاد آوری می نمود .

بالاخره افکار نوگرایی به صورت بسیار قوی بالای مفهوم ملت ساخته شده و به این ترتیب تعریف گردید:

«اگر وطن جسم است، ملت گوشت و استخوانش و پادشاه روحش است. فلذا یک وظیفه دینی برای تمام مسلمانان و غیر مسلمانان است که در خدمت وطن، ملت و همچنان دولت و پادشاه شان باشند: زیرا یک کشور بدون پادشاه به یک جسم بدون روح و یا به یک موتر بدون ماشین می ماند. (سراج الاخبار، جلد 1 نمبر 7 صفحه

6-7، و جلد 4، نمبر 20، صفحه 6».

«Serâdj al – Akhbâr, vol, 1, No 7, P. 6-7, and vol. IV, No 20, p. 6»

ادامه دارد